

<https://dx.doi.org/10.3051/psi.2022/332282/3191>

Rereading the political trust resulting from the social capital of the Islamic Revolution: Iran today

The Iranian society has always faced numerous ups and downs in the process of its social capital and political trust, and the turning point of this development of social capital was manifested in the Islamic Revolution in such a way that with the decline of the social capital of the Pahlavi regime on the one hand and the synergy of the leadership of Imam transcendent values and movement of the people, on the other hand, the Islamic Republic system was established.

Considering the various capabilities of the Islamic Revolution of Iran the main question of this article is: What hopes and fears have been associated with the state of social-political trust in Iran in the form of social capital? The main hypothesis also refers to the proposition that political trust (related to governments) contained in social capital has been seriously improved with the beginning of the Islamic revolution in the levels of influence on the increase of socio-political participation, transcendent culture and socio-political cohesion, but in the following decades due to The increase in the level of the poverty line, social damages, the general perception of unsystematic corruption and social gaps have faced increasing and dangerous obstacles, of course, adhering to the subjective and objective perceptions of the value system of the Islamic Revolution and improving the efficiency of governments in accelerating progress and removing obstacles to trust. It is considered politically important. The methodology of the article is based on qualitative approach and inferential analysis technique.

بازخوانی اعتماد سیاسی حاصل از سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی: ایران امروز

عباسعلی رهبر^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۷

چکیده

جامعه ایرانی همواره در روند سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی خود با فرازو نشیبهای متعددی روبرو بوده است که نقطه عطف این رویش سرمایه اجتماعی در انقلاب اسلامی تجلی می یابد به گونه ای که با افول سرمایه اجتماعی نظام پهلوی از یک طرف و هم افزایی رهبری امام ره، ارزش های متعالی ایرانی - اسلامی و حرکت جمعی مردم از طرف دیگر، نظام جمهوری اسلامی تاسیس شد.

باتوجه به قابلیت های متنوع انقلاب اسلامی ایران در عرصه سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی، سوال اصلی مقاله حاضر این است که: وضعیت اعتماد سیاسی - اجتماعی در ایران در قالب سرمایه اجتماعی با چه امیدها و بیم هایی همراه بوده است؟ فرضیه اصلی نیز ناظر به این گزاره است که اعتماد سیاسی (مرتبط با دولت ها) مندرج در سرمایه اجتماعی با شروع انقلاب اسلامی در سطوح تاثیر برافزایش مشارکت اجتماعی - سیاسی، فرهنگ متعالی و انسجام اجتماعی - سیاسی ارتقا جدی داشته است اما در دهه های بعدی با توجه به افزایش سطح خط فقر، آسیب های اجتماعی، ادارک عمومی فساد غیر سیستماتیک و شکاف های اجتماعی با موانع فزاینده و خطر پذیر مواجه شده است البته تمسک به ادراکات ذهنی و عینی نظام ارزشی انقلاب اسلامی و ارتقاء کارآمدی دولت ها در تسریع پیشرفت و رفع موانع اعتماد سیاسی مهم تلقی می گردد. روش شناسی مقاله نیز رویکرد مبتنی بر رویکرد کیفی و تکنیک تحلیل روش استنباطی بوده است.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، اعتماد سیاسی، انسجام اجتماعی، نظام ارزشی انقلاب اسلامی

سرمایه اجتماعی^۱ جامعه شامل رسوم، روابط، نگرش ها و اندیشه ها است که بر تعاملات بین مردم حاکم است و به توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر می شود. با وجود این، سرمایه اجتماعی تنها مجموعه ای از نهادها نیست که زیر بنای جامعه را تشکیل دهد، بلکه چسبی است که کل جامعه را با هم نگه می دارد. (رهبر و حیدری ۱۳۹۷ : ۱۴) سرمایه اجتماعی شامل ارزش ها و رسوم مشترک برای هدایت اجتماعی است که در روابط خصوصی افراد، اعتماد و یک عقل جمعی مسئولیت «مدنی» ظاهر می شود و جامعه را به چیزی بیشتر از مجموعه افراد تبدیل می کند (بانک جهانی، ۱۹۹۸، ۵).

در مورد نسبت انقلاب اسلامی ایران و سرمایه اجتماعی منصفانه باید گفت یکی از نتایج بزرگ پیروزی انقلاب را که خود بر اساس سرمایه اجتماعی شکل گرفت، تقویت سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دانست. چراکه ما با یک انقلاب فراگیر مواجه بودیم. و به نقل از هانتینگتون در تعریف انقلاب می توان گفت " یک انقلاب تمام عیار، دربرگیرنده نابودی نهادهای سیاسی و الگوهای مشروعیت پیشین، کشیده شدن گروههای تازه به صحنه سیاست، تعریف جدیدی را از اشتراک سیاسی، پذیرش ارزشهای سیاسی نوین و مفاهیم تازه ای از مشروعیت سیاسی، قبض قدرت به دست نخبگان سیاسی نوپدید و پویاتر و آفرینش نهادهای سیاسی جدید و نیرومندتر است" (هانتینگتون ۱۳۷۰ : ۴۴۷)

ایران به علت دین و مذهب مشترک، زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداریها، احترام عامه مردم به اصول و ارزشها و هم افزایی سه عنصر مهم دخیل در انقلاب اسلامی یعنی مردم، ایدئولوژی و رهبری (رک: عیوضی ۱۳۸۸) دارای عناصری از اعتماد، انسجام، پیوند و مشارکت اجتماعی است. مردم بعد از انقلاب، در اکثر صحنه ها به خصوص تظاهرات و راهپیمائیها، مشارکت در انتخابات و خصوصاً جنگ تحمیلی (هشت سال دفاع مقدس) شرکت داشته اند.

با پیروزی انقلاب و آغاز تغییر و تحولات گسترده در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور میزان مشارکت مردم و اعتماد متقابل دولت و مردم، تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه برای آغاز حرکتی نوین در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور شروع شد. اما نکته مهمی که باید در نظر داشت بعد از انقلاب اسلامی و با گذشت چهارده از آن با توجه به رشد سریع جمعیت، دگرگونی در ساختاری سیاسی _ اجتماعی جامعه، توسعه غیر متعارف و تحولات در عرصه جهانی (در قالب جهانی شدن) و نحوه مدیریت سیاسی کارگزاران موجبات بروز مسائل جدی در حوزه امور سیاسی شده است و ما شاهد حرکت سینوسی اعتماد سیاسی در برهه های مختلف بوده ایم که لازم است این فراز و نشیب ها مورد مطالعه قرار گیرد. تا به این سوال اصلی مقاله مبتنی بر چستی امیدها و بیم های وضعیت اعتماد سیاسی _ اجتماعی در ایران امروز (در قالب سرمایه اجتماعی) پاسخ داده شود. استفاده از روش کیفی با رویکرد تفسیری و تحلیل استنباطی نویسنده نیز مد لحاظ مقاله حاضر بوده است.

^۱Social Capital

تعریف مفاهیم

سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

هنجارها: هنجارهای اجتماعی برداشت‌ها، قواعد و رسوم غیر رسمی مشترک است که رفتارهای معینی را در اوضاع تجویز، ممنوع یا تعدیل می‌کند. هنجارهای اجتماعی می‌تواند مسئولیت‌پذیری، احترام به قانون، اخلاق حرفه‌ای، احترام به بزرگترها، تحمل و پذیرش تنوع و کمک به مردم نیازمند را به هنگام نیاز در برگیرد (رهبر و حیدری، ۱۳۹۷: ۱۱۳)

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی امری ذهنی و برآیند نگرش شهروندان نسبت به ماهیت و رفتار نظام سیاسی جامعه می‌باشد که در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته با رویکرد نهادی و به عنوان متغیر وابسته به آن نگاه شده است. (رهبر، ۱۳۹۹: ۱۵۳)

وجه معرفتی انقلاب اسلامی: ارزشهای سیاسی نوین و تلقی جدید از مشروعیت سیاسی در ساحت انقلاب اسلامی که مبتنی بر عناصر بنیادینی چون اسلامیت، جمهوریت، عقلانیت انقلابی، عدالت، استقلال و آزادی است.

چارچوب نظری

پیربوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما از برجسته‌ترین چهره‌هایی هستند که به سرمایه اجتماعی، کارکردها و پیامدهای آن از زاویه‌های گوناگون پرداخته‌اند. شیوه پرداختن آنان به سرمایه اجتماعی، راهنمای پژوهشگران در سراسر جهان بوده است.

از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی «انبوهی از منابع بالفعل یا بالقوه‌ای را که به مالکیت یک شبکه دوام دار متصل‌اند» نشان می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۸، ۳۳). کلمن دین و مذهب را از جمله عوامل ساخت اجتماعی می‌داند و بر این نظر است که افزایش گرایش‌های دینی و اعتقادی در جامعه به افزایش سرمایه اجتماعی کمک خواهد کرد. کلمن معتقد است دین در وادار کردن افراد، به توجه به منافع دیگران اهمیت دارد (کلمن، ۱۳۸۵: ۴۹۰). در مقابل فوکویاما سرمایه اجتماعی را وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی تعریف می‌کند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. از نظر او مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشند. بر عکس هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۱۲-۱۱).

دغدغه اساسی پاتنام از طرح ایده سرمایه اجتماعی حل معمای عمل جمعی است. از نظر وی به زعم اکثر دانشمندان رشته‌های علوم اجتماعی مناسب‌ترین راه‌حل مشکل مذکور استفاده از سرمایه اجتماعی است. «سرمایه اجتماعی شامل ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد می‌شود که همبستگی و همکاری را برای منافع دوسویه تسهیل می‌کند» (پاتنام، ۱۳۸۰، ۳۵). تعریف وی از سرمایه اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ کمی تغییر کرد. در سال ۱۹۹۶ او بیان داشت: «منظور من از سرمایه اجتماعی، مشخصات زندگی اجتماعی است- شبکه‌ها، معیارها و اعتماد- که سبب می‌شود تا شرکت کنندگان به شیوه مؤثرتر اهداف مشترک خود را دنبال کنند» (رک: پاتنام، ۱۳۸۰).

با توجه به تعریف وی، سه پایه اصلی سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۱. **اعتماد:** از جمله مسائل مورد علاقه وی تبیین منشا اعتماد اجتماعی است. به اعتقاد وی، در جوامع مدرن و مقابل مدرن، اعتماد بالا در درون روابط شخصی گسترش می‌یابد. اما در جوامع پیچیده فرا مدرن و فرا صنعتی، اعتماد اجتماعی از دو منبع مرتبط به هم هنجارهای تعاملی دو طرفه و شبکه‌های تعهد مدنی ناشی می‌شود.

از نظر پاتنام، اعتماد، همکاری را تسهیل می‌کند. هرچه سطح بالاتری از اعتماد در جامعه وجود داشته باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. از نظر وی، ویژگی بازتولید سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد. وی حضور این ویژگی‌ها را در هر جامعه‌ای نشانه مدنیت آن جامعه می‌داند. این خصلتی است که به نظر وی موجب عملکرد خوب نهادهای دموکراتیک می‌گردد (رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷، ۴۶-۴۵).

۲. **هنجارهای معامله متقابل:** پاتنام اشاره دارد به گروه‌ها و جوامعی که بر آن‌ها هنجارهای معامله متقابل حاکم است و از آن پیروی می‌کنند و به صورت کنشی جمعی خود را نشان می‌دهد

۳. **شبکه‌های اجتماعی:** به اعتقاد پاتنام هسته اصلی سرمایه اجتماعی همان شبکه‌های با ارزش هستند و ارتباطات اجتماعی بر مولدیت افراد و گروه‌ها تاثیر گذار است

به نظر پاتنام اندوخته‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجار و شبکه‌ها پدیده‌های خود تقویت کننده و انباشتی هستند. دوره‌های خوشایند {رشد و سرمایه گذاری} به تعادل اجتماعی همراه با سطوح بالای همکاری، اعتماد، مشارکت مدنی متقابل و بهزیستی دسته جمعی می‌انجامد. روی گردانی، از زیر کار شانه خالی کردن، بی‌اعتمادی، بهره‌کشی، انزوا، بی نظمی و رکود در فضای آلوده و کشنده دوره‌های باطل یک دیگر را تشدید می‌کنند. این استدلال بیان‌گر این است که دست کم دو تعادل گسترده ممکن است وجود داشته باشد که جوامعی که با مسائل کنش جمعی مواجه می‌شوند به سمت آن در تعادل تکامل پیدا می‌کند و وقتی به آن تعادل‌ها دست یافتند خود را تقویت می‌کنند (فاین، ۱۳۸۸، ۱۶۱). در هر گروه اجتماعی هنجارهایی است که مهمترین سودمندی آنها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است از نظر پاتنام مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل هستند. این هنجارها از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی است. شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه دای و ... وجود دارد. این شبکه‌ها در دو نوع عمودی و افقی هستند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت بهتری برخوردار بوده و در شبکه‌های عمودی هم شهروندانی عضوند که در وضعیتی نابرابر نسبت به هم به سر می‌برند (پاتنام، ۱۳۸۰، ۲۶۹).

در مورد اعتماد و سرمایه اجتماعی نیز باید گفت که هنجار اعتماد عنصری کلیدی در سرمایه اجتماعی به حساب می‌آید. در نظریه سرمایه اجتماعی نقش اعتماد در کارکرد بهینه جامعه مدنی و تسهیل مجموعه‌ای از نتایج شامل مشارکت م

دنی و دموکراسی، کلیدی است که شامل اعتماد فردی، اعتماد عمومی، و اعتماد نهادی می‌گردد.

در حالی که اعتماد می‌تواند به افراد مربوط باشد، می‌تواند به گروهها و نهادها در یک جامعه از جمله دولتها هم مربوط باشد. بسیاری از نویسندگان اعتماد را به منزله یک عنصر سرمایه اجتماعی می‌دانند، دیگران آن را به منزله یک منبع یا پیامد مهم سرمایه اجتماعی می‌دانند، اما از محسوب کردن اعتماد به جای خود سرمایه اجتماعی برحذر می‌دارند (نصیری، ۱۳۸۶، ۲۰).

خوانش بیم و امید اعتماد سیاسی برآمده از سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران امروز

انقلاب در حقیقت عبارت از قطع رابطه با وضعیت حاضر است که غیر قابل قبول و تحمل ناپذیر می‌باشد و به عبارت دیگر، انقلاب وضعیت حاضر را به طور کامل نفی و طرد می‌کند و در مقابل، سعی در تجدید بنای محیط اجتماعی و انسانی کاملاً متفاوتی دارد. این دگرگونیها حاصل نمی‌شود مگر به دنبال تغییرات عمیق در وضع روانی و شعور قسمتی و یا کل جامعه ای که به دنبال آن باز هم تغییرات عمیق در وضع روانی و شعور قسمتی و یا کل جامعه ای که به دنبال آن باز هم تغییرات دیگری در روحیه و هم در سازمان اجتماعی ایجاد خواهد شد (گی‌روشه، ۱۳۸۹، ۲۲۳).

انقلاب اسلامی نوعی تغییر اجتماعی است که برای بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی و دستاوردهای آن می‌بایست تغییرات اجتماعی را که در ساختار جامعه ایران در عرصه های گوناگون تحول و تغییر اساسی پدید آورده مورد مطالعه قرار داد که در این بخش به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱) امید اعتماد سیاسی برآمده از سرمایه اجتماعی انقلاب اسلامی در ایران

۱-۱- مشارکت اجتماعی - سیاسی مردم در انقلاب اسلامی

آنتونی پارسونز (سفیر انگلیس در ایران) علت اصلی قیام مردم را در نابودی ارزش های متقن جامعه آنها که از مذهب سرچشمه می‌گرفت می‌دانست، به همین دلیل مشاهده می‌شد مردم تنها چیزی را که در شعارهایشان مطرح نمی‌کردند، خواسته های مادی و اقتصادی بود.

اراده ی جمعی اسطوره ای سیاسی است که حقوق دانان یا فلاسفه به کمک آن می‌کوشند تا تشکیلات و سازماندهی آن را تحلیل و یا توجیه کنند، اراده ی جمعی جنبه ای تئوریک دارد و کمتر به چشم دیده می‌شود و به قول میشل فوکو «مانند خدا یا روح، شاید هرگز به چشم دیده نشود». اما در تهران و در تمام ایران چنین اراده ای مشاهده شد و یک عینیت مطلقاً روشن و ثابت باقی ماند. آنچه که شدت و عمق انقلاب را در ایران مشخص می‌کرد و عامل آن بود، یکی اراده ی جمعی مردم که از نظر سیاسی شکل گرفته و مورد تردید هیچ کس حتی دشمنان و شاه هم نبود و دیگری خواست و اراده ی آنها در تغییر اساسی و بنیادین سیاسی - اجتماعی و ارزش های حاکم بر جامعه بود (محمدی، ۱۳۸۷، ۹۳).

میزان مشارکت مردمی در انقلاب بسیار بالا بود. نکته مهم این بود که این مشارکت نه فقط شامل قشر پایین و کارگری، بلکه همچنین شامل افراد تحصیل کرده و ثروتمند جامعه نیز می‌شد. بطوریکه در راهپیمایی تاسوعا و عاشورا (آذر ۱۳۵۷) در حدود دو میلیون نفر از همه قشرها شرکت داشتند. مردم علاوه بر مشارکت، هزینه های جانی زیادی نیز برای انقلاب پرداختند. که این موجب عمیق تر شدن پیوند آنها با انقلاب و در واقع همسویی و انسجام بیشتر می‌شد. در کنار عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یک عامل اساسی دیگر که در

انقلاب ایران اهمیت داشت پیوند مذهبی - الهی بود که آنها را از هر نوع خطری نمی‌هراساند و هزینه‌های انقلاب را در چشم آنها ناچیز می‌نمایاند. مردم در کنار انسجام بسیار قوی، آماده همه‌گونه فداکاری برای یکدیگر و برای اصلاح جامعه نیز بودند. صحنه‌های آب و گاه شیرینی دادن به مردم انقلابی در حال گذر در جلوی خانه‌ها، چشم‌پوشی‌ها و گذشت در هنگام تصادفات فقط نمونه‌های کوچکی از آن بود (رفیع پور، ۱۳۸۷، ۱۲۷ و ۱۲۶).

بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که با علم به رابطه مستقیم مشارکت سیاسی و اعتماد سیاسی در یک نظام سیاسی، جمهوری اسلامی با توجه به مشارکت سیاسی وسیعی که در دهه اول انقلاب به خود دیده، از اعتماد بالای مردمی به خود برخوردار بوده و شاید یکی و بلکه مهمترین عامل مقاومت رهبران سیاسی در برابر موج فشارها و حمالت دشمنان همین پشتگرمی به مشارکت سیاسی عظیم مردمی بوده است و این مشارکت گسترده نیز بر اوضاع جنگ در جبهه‌ها و شرایط ملی و بین‌المللی در کشور تاثیرگذاری فراوانی داشته است. (خواجه سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۷۲)

۲-۱- انسجام اجتماعی

انگیزه‌های مردم برای انقلاب بطور کم و بیش پنهان^۱ و نه چندان آشکار^۲ اهداف و ارزش‌های آنها را شکل می‌داد که بتدریج در خواسته‌های آنها و رهبرانشان ظاهر و نهایتاً در قانون اساسی نیز منعکس شد. بدین ترتیب یک نظام ارزشی جدیدی پایه‌ریزی می‌گردید که عناصر مهم آن از بین رفتن بی‌عدالتی و نابرابری، استبداد، وابستگی به غرب و تمایل بیشتر به مذهب، ایثار و انسجام بود (رفیع پور، ۱۳۸۷، ۱۲۷ و ۱۳۶).

۳-۱- فرهنگ متعالی

فرهنگ متعالی با تاکید بر فرهنگ خودباوری، استقلال، نועدوستی، ایثار و شهادت ضمن توجه به تسهیل کنش‌های هدفمند اجتماعی، کاهش هزینه تعاملات و قراردادهای اجتماعی، می‌تواند در خلق، گسترش و تثبیت سرمایه‌های اجتماعی در جوامع اسلامی نقشی کلیدی ایفا نموده و زمینه بسط این مفهوم را در جامعه فراهم آورد. این فرهنگ می‌تواند با عنایت به گسترش روحیه برادری اسلامی و دیگر خواهی، افزایش اعتماد متقابل به افراد جامعه اسلامی را به ارمغان آورد. همچنین گسترش مشارکت عمومی و همکاری اجتماعی از سوی همگان برای حفظ حدود و ثغور جامعه اسلامی از نتایجی پربار این فرهنگ است که نقش مهمی در تحقق سرمایه‌های اجتماعی در جوامع اسلامی خواهد داشت.

^۱ Latent
^۲ Manifest

از پیامد شناسی اعتماد در سطح خرد، میانی و کلان اول انقلاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد: سطح خرد: خلاقیت، همکاری، مسئولیت پذیری و تعهد، خودباوری، کاهش نگرانی و اضطراب، صداقت جایگزین تظاهر و بی مایگی، متعهد به صراحت، صداقت و سازگاری به جای فریب کاری و ظاهر بینی، علاقه و دل بستگی بیشتر به کار، خستگی ناپذیری، همسازی، تقویت انگیزه ها. سطح میانی: شناخت توانایی های یکدیگر، کاهش هزینه ها، عملکرد عالی، سازگاری. سطح کلان: جست و جوی فعال، انجام دقیق و خوب کار، آرامش و امنیت روانی، ثبات و پایداری در روابط، مشروعیت و اثر بخشی، تلاش و کوشش بیشتر (عبدالهی، ۱۳۸۸، ۱۶۶-۱۸۱)

۲) بیم های موثر بر اعتماد سیاسی در ایران امروز

اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در جامعه امروز ما با فراز و نشیب هایی همراه بوده است که نباید این روند سینوسی را نادیده گرفت در پژوهی در فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامیتعداد ۳۵ مقاله مربوط به اعتماد سیاسی در دهه های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ مورد بررسی (با استفاده از روش فراتحلیل) قرار گرفته است که در حدود ۸۰٪ از مقالات اعتماد سیاسی به عنوان متغیر وابسته مطرح گردیده است. مهم ترین نتایج نشانگر آن است که اعتماد سیاسی شهروندان به ساختار سیاسی در حد متوسط می باشد. رفاه اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد از متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی شهروندان نسبت به ساختار سیاسی می باشد. همچنین پاسخگویی سازمانهای دولتی، شفافیت سیاسی بیشتر و فرهنگ سیاسی بازتر به تقویت اعتماد سیاسی کمک می کند (رک: مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) همچنین در بررسی دیگری با الگوی تحلیل ثانویه اطلاعات پیمایش های ملی انجام گرفته در ایران و داده های سایر پژوهش ها، تأکید شده است بحران در حوزه اعتماد عمومی در ایران را نمی توان نادیده گرفت چرا که روند اعتماد عمومی مردم رو به کاهش بوده است (اعتمادی فرد، ۱۳۹۲)

در برخی پژوهشها، سرمایه اجتماعی با شاخص های عینی سنجیده می شود؛ از جمله درصد تعداد چکها برگشتی (انعکاسی از بی اعتمادی فعالان اقتصادی به یکدیگر) تلفات جاده ای انعکاسی از رعایت نکردن قوانین و مقررات (میزان جرم و جنایت (انعکاسی از قانون شکنی) افزایش تعداد چکهای برگشتی می تواند نشان دهنده افزایش بی اعتمادی مردم به یکدیگر و در نتیجه، کاهش سطح سرمایه اجتماعی در کشور باشد (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ۴۲) در پژوهشی دیگر نیز افزایش فردگرایی و ضعف در عملکرد مدیران به عنوان مهم ترین عوامل موثر بر افول سرمایه اجتماعی قلمداد می شود (حمیدی زاده، ۱۳۹۷: ۱۰۶)

البته ناگفته نماند روند اعتماد مردم به کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران در وضعیت بسیار حاد قرار نگرفته است و می توان با برگشت به شرایط اعتمادساز دهه اول انقلاب به ارتقاء اعتماد سیاسی ملت دولت کمک کرد.

اعتماد سیاسی در دهه اول تابعی از وجود شخصیت‌های دینی و سیاسی همچون حضرت امام و ...، جنگ و حضور مردم در جبهه‌های جنگ، مصادیق اعتماد ساز در حوزه اقتصاد جنگی و مشارکت سیاسی بالای مردم بوده و ما شاهد میزان بالایی از اعتماد سیاسی در کشور بوده ایم و شاید این اعتماد سیاسی بالا مهمترین عامل ایستادگی و تصمیمات استقلال طلبانه نخبگان سیاسی نظام در تمام زمینه‌های داخلی، خارجی و همچنین جنگ تحمیلی، بوده است. (خواجه سروی و فرهادی، ۱۳۹۷: ۷۸)

از منظر رهبر کبیر انقلاب اعتمادسیاسی با آسیب‌های مختلفی مواجه است. از منظر امام خمینی (ره) عدم تطبیق گفتار و رفتار دولتمردان، اعمال سیاسی ارباب و وحشت، میزان شکاف دولت - ملت، میزان فساد و میزان کاهش مسئولیت‌پذیری از مهم‌ترین عوامل کاهش دهنده اعتماد سیاسی می‌باشد. از منظرایشان مرجع تولید اعتماد سیاسی دولت و عملکرد نظام سیاسی است و ایجاد اعتماد سیاسی فرایندی از بالا به پایین است. هم‌ترازی معیشت دولتمردان با ملت، تعهد به اسلام و عدم انحراف فکری - عقیدتی و پاک‌دستی دولتمردان می‌تواند سلامت نظام سیاسی و پیوند میان دولت - ملت و اعتماد مردم را نسبت به دولت فراهم آورد. (رک: حسینی، ۱۳۹۶). با توجه به مطالب گفته شده به موانع مهم اعتماد سیاسی اجتماعی در جامعه امروز پرداخته می‌شود:

۲-۱- افزایش خط فقر

نخستین گزارش رسمی «خط فقر» در ایران، از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شد، تا یک نمای نزدیک از سطح فقر ارائه شود. منظور از خط فقر، حداقل هزینه‌های ماهانه افراد در سراسر کشور برای تامین نیازهای ضروری است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد خط فقر سال ۹۹ نسبت به سال قبل از آن، رشدی ۳۸ درصدی داشته که مهم‌ترین عامل افزایش خط فقر در سال ۹۹ تورم بالا در دو بخش خوراکی‌ها و مسکن بوده است. همچنین بر اساس داده‌های هزینه و درآمد، در سال ۹۸ یک‌سوم خانوارهای ایرانی در زیر خط فقر قرار داشته‌اند؛ موضوعی که به آن «نرخ فقر» گفته می‌شود. این گزارش درباره نرخ فقر سال ۹۹ آماری را منتشر نکرده؛ اما می‌توان پیش‌بینی کرد این نرخ در سال گذشته نیز افزایش یافته است (منبع اینترنتی، اقتصاد نیوز، ۱۴۰۰).

آمارهای منتشرشده از سوی بانک جهانی نیز نشان می‌دهد جمعیت دارای فقر مطلق در ایران طی سال‌های فعالیت گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. این نهاد بین‌المللی فقر مطلق را بر پایه درآمد روزانه ۱٫۹ دلار برای هر نفر (بر اساس شاخص برابری قدرت خرید به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱) تعریف کرده است و این رقم حداقل مبلغی است که یک نفر برای تأمین نیازهای ضروری زندگی خود به آن نیاز دارد.

بر این اساس در سال ۲۰۱۳ (۱۳۹۲) نسبت جمعیت دارای فقر مطلق به کل جمعیت در ایران ۰٫۲ درصد بوده است اما این رقم در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) به ۰٫۶ درصد افزایش می‌یابد. یعنی در این سال فقر مطلق در ایران نسبت به ۱۳۹۲ سه برابر شده است (ایرنا، ۱۴۰۱).

امید در بستری از شرایط در هم تنیده به بار می نشیند و در طول زمان دچار تغییر و دگرگونی می گردد یعنی هم در کمیت آن تغییر رخ می دهد و هم کیفیت آن متحول و در معرض دگرگونی قرار می گیرد. در این معنا، امید را هم می شود ساخت و هم می توان از بین برد و این نکته ای مهم در ارتباط با سیاست اجتماعی امید است.

در باب ضرورت این موضوع کافی است بدانیم، امید بنیان عاطفی کنش اجتماعی است و بدون امید عموماً کنش فعالانه ای در سطح اجتماعی دور از انتظار است. از طرفی امید اجتماعی موجب بالا رفتن قدرت ایجاد پیوستگی و انسجام بخشی در سطح گروه های گوناگون جامعه خواهد شد. در یک جامعه ای که امید اجتماعی در سطوح و لایه های مختلف آن جاری است امکان تعامل، همکاری اجتماعی و انسجام اجتماعی نیز بیشتر قابل تصور است. همچنین اگر جامعه ای می خواهد سرزنده باشد و رضایت، نشاط و خرسندی اجتماعی در آن بالا رود چاره ای ندارد جزء اینکه به دنبال انتشار و گسترش امید در بین کلیه اجزاء تشکیل دهنده در تمامی سطوح مختلف خود باشد.

نتایج تحقیقات و نظرسنجی های گوناگون حکایت از آن دارد که شاخص امید و امیدواری که معمولاً به صورت سوال از میزان امید به آینده مورد سنجش قرار می گیرد مقادیر مطلوبی را نشان نمی دهد

در این ارتباط نتایج یکی از تحقیقات ملی نشان می دهد که در نظرسنجی صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ براساس گزارش یافته های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان؛ موج سوم، مهمترین نگرانی و دغدغه پاسخ گویان

بیکاری/اشتغال/مسائل شغلی (۲۷/۹ درصد) مسائل و مشکلات اقتصادی (۱۷/۵ درصد) و دغدغه نسبت به آینده فرزندان (۱۴/۸ درصد) و دیگر مسایل مطرح شده است همچنین در مورد فاصله ثروتمندان و فقیران نسبت به ۵ سال قبل ۶۵/۵ درصد پاسخگویان گفته اند الان بیشتر شده است و در ۵ سال آینده نیز ۶۳/۹ درصد نیز فاصله طبقاتی را بیشتر می بینند. در مورد بی عدالتی نیز به دو عامل اصلی فقر و عملکرد دولت ها اشاره داشته اند. همچنین ۶۸/۲ پاسخ گویان معتقدند که در پنج سال آینده صفات اخلاقی منفی بیشتر خواهد شد. در مورد سوال به نظر شما هر کدام از ویژگی هایی که نام میبرم چقدر بین مردم رواج دارد؟ به موارد بیشتر دروغگویی تظاهر تجمل گرایی کلاهبرداری رباخواری تملق اشاره کرده اند.

غرض از این استناد به گزارش آماری در یک نمونه بزرگ این است که بگوییم عوامل موثر بر امید اجتماعی در ایران با موانع و مشکلاتی مواجه است که این موانع همان هایی است که مردم در زندگی روزمره با آن مواجه شده اند. بدین معنا از آنجایی که مردم کمتر توانسته اند طعم مثبت نتایج سیاست های اجرایی را در زندگی واقعی خود ببینند، دچار نوعی ارزیابی منفی از تغییرات شده و امید به بهبود نیز در آنان رو با موعی روبرو شده است.

۲-۳- آسیب‌های اجتماعی

گسترش آسیب‌های اجتماعی مانند تضعیف استحکام بنیان خانواده با افزایش طلاق، جرم، اعتیاد و حاشیه نشینی در جامعه می‌تواند با کاهش دادن سرمایه انسانی و بهره‌وری، رشد اقتصادی و فضای اجتماعی و سیاسی کشور را تحت تاثیر قرار دهد.

در ایران نیز در دهه اخیر، هم‌راستا با گسترش پدیده طلاق در سطح جهانی، آمار طلاق به شکل نگران‌کننده‌ای در حال گسترش است. به طوری که نرخ طلاق در کشور از ۰/۹۲ در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۲/۲۶ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. به عبارت دیگر، در طول پانزده سال گذشته، نرخ طلاق در کشور حدود ۲/۵ برابر شده است که حکایت از رشد نگران‌کننده طلاق در دهه‌های اخیر است (درگاهی و بیرانوند، ۱۳۹۸، ۶۵):

مطابق با گزارش پیمایش ملی خانوار در مورد شیوع مصرف مواد مخدر (۱۳۹۴) که با مشارکت دفتر تحقیقات ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان بهزیستی انجام گرفته است، نرخ شیوع مصرف مواد در هفته گذشته، ماه گذشته، سال گذشته، و طول عمر در کل کشور به ترتیب معادل ۴/۳، ۴/۹، ۵/۴، و ۸/۵ درصد در بین جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال اعلام شده است. به عبارت دیگر، حدود چهار میلیون و چهارصد هزار نفر در طول عمر خود و حدود دو میلیون نهصد هزار نفر در سال قبل از انجام مطالعه مواد مصرف کرده‌اند. (درگاهی و بیرانوند، ۱۳۹۸، ۶۸):

حاشیه نشینی نیز سکونت گاه اصلی و مهم آسیب‌های اجتماعی است که بر فرآیند مدیریت شهری تاثیر منفی می‌گذارد و در صورت تداوم، کشور را با بحران‌های بزرگی روبرو می‌سازد. وجود نابرابری، ساختار نامناسب شغلی، نبود تسهیلات خدماتی و بهداشتی، مسکن نامناسب، پایین بودن سرمایه فرهنگی، ضعف امنیت و ... از معضل‌های نواحی حاشیه‌نشین به شمار می‌رود که آن را به بستری برای پیدایش و اشاعه آسیب‌های اجتماعی تبدیل کرده است. به گفته بسیاری از مسوولان کشور و بر پایه آمار، «۲۰ میلیون تن در کشور حاشیه نشین هستند که در بافت فرسوده ۴۹۵ شهر به مساحت ۵۴ هزار هکتار ۱۱ میلیون تن زندگی می‌کنند و در سکونتگاه‌های غیررسمی در ۹۱ شهر به مساحت ۵۳ هزار هکتار ۹ میلیون تن زندگی می‌کنند (منبع اینترنتی، ایرنا: ۱۳۹۶).

۲-۴- افزایش روند ادراک فساد

برای سنجش فساد قدم اول سنجش ادراک و تجربه فساد است، یعنی مشخص شود تصور در خصوص رواج فساد چگونه است. سپس باید رتبه‌بندی از سازمان‌ها در همین خصوص ارائه شود. فساد بر کیفیت حکومت، اعتماد، حمایت عمومی، رشد اقتصادی و رضایت و در نهایت بر ثبات بیشتر دموکراسی اثر می‌گذارد. تصمیم‌گیری و فرآیندهای اقتصادی را تحریف می‌کند، تهدیدی برای اعتماد به حساب می‌آید که در نهایت می‌تواند به باورهای نظام سیاسی آسیب رساند

بر اساس یک پژوهش صورت گرفته میزان وجود فساد در سازمانها با در نظر گرفتن شاخصهای رشوه، پارتی بازی و تبانی در کلیه سازمانها و ادارات شهر تهران به خصوص شهرداری اکثریت پاسخ دهندگان به وجود این شاخصها آری گفته بودند. (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۷۳) همچنین سنجشی نیز در سال ۱۳۸۸ با جامعه آماری شهر تهران صورت گرفت و مشخص شد که ۶۳/۷ درصد از پاسخ دهندگان گفته بودند که میزان و گسترش فساد بالا بوده است. (رک: فاضلی: ۱۳۸۸)

همچنین با بررسی پژوهش صورت گرفته «پایش امنیت سرمایه گذاری به تفکیک استانها و حوزه های کاری» توسط مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی در بین سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ از بین جامعه آماری فعالین

اقتصادی در دسترس متناسب با جامعه نمونه های قابل استناد در همه استانها و همه حوزه های کاری و توزیع پرسشنامه و با استناد به دو مؤلفه از این پرسشنامه: میزان شیوع رشوه در ادارات و اعمال نفوذ و تبانی در معاملات ادارات نشان دهنده میزان گستردگی فساد در ادارات و نهادهای سراسر کشور است. (گزارش مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰)

در شاخص میزان گسترش فساد از نظر سازمان شفافیت بین المللی (CPI) در بین ۱۸۰ کشور ایران در این مدت هرساله رتبه نزولی را داشته و در سال ۱۴۰۰ به رتبه ۱۴۹ سقوط کرده است و همینطور بر اساس داده های داخلی به ترتیب در سال ۱۳۸۶ به میزان ۷۰ درصد و در سال ۱۳۹۵ بازهم به میزان ۷۰ درصد و بالاخره در سال ۱۴۰۰ این میزان به ۸۲ درصد رسیده است. که نشان از گستردگی فساد می باشد؛ به طور کلی، ضعف در ساختارهای دموکراتیک و نبود رسانههای آزادی که بتوانند به کشف فساد کمک کنند، مهمترین دلیل افزایش فساد در یک کشور هستند. علاوه بر این، هرچقدر سهم بخش دولتی از اقتصاد یک کشور بیشتر باشد، احتمال فساد هم بیشتر میشود (پوربافرانی، ۱۴۰۰: ۷۰)

بخش عمده فساد از حیات خلوتهای بوروکراسی ای بیرون می آید که به دولت تعلق دارد. پول و ثروت در اختیار دولت و دستگاههای ذیربط آن است و اگر قرار بر مبارزه با فساد باشد باید از همان ابتدا اجازه نداد که فساد شکل گیرد. این امر با مراقبتهای ویژه از دستگاه عریض و طویل دولت ممکن خواهد بود.

در شاخص پایین بودن هزینه های ارتکاب فساد نتایج این بررسی نیز نشان می داد هزینه های ارتکاب فساد بسیار پایین است و بر اساس یک پرسشنامه صورت گرفته در سال ۱۳۹۶ به صورت ادراک ۱۰ سال گذشته شهروندان و نخبگان اداری نشان داد که ۸۱ درصد ارباب رجوع ها برآورد فایده کنش فساد را بیش از هزینه های احتمالی آن میدانستند؛ تشکیلات و ساختار اداری غیر کارآمد، حجیم و نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه ها و دستورالعملهای اداری، مدیران غیر مؤثر، فقدان نظام شایسته سалاری، وجود تبعیضات در زمینه های استخدام، نارسایی در نظام حقوق و دستمزد، نظام پاداش و تنبیه و به ویژه نظام نظارت و ارزشیابی، ترجیح اهداف گروهی به اهداف سازمان و مانند آن، از عوامل هم پایین بودن هزینه های ارتکاب فساد میباشند (پوربافرانی، ۱۴۰۰: ۸۱)

صاحب نظران جامعه شناسی سیاسی را از حیث فعال یا غیرفعال بودن به سه دسته تقسیم می کنند؛ شکاف های فعال، شکاف های غیرفعال، و شکاف های نیمه فعال. شکاف های فعال ان دسته از شکاف های اجتماعی است که نیروهای سیاسی بر محور آنها تجهیز و یا بسیج می شوند. شکاف های نیمه فعال هم ان دسته از شکاف های اجتماعی است که در مقطع زمانی خاصی فعال و در مقاطع دیگر به صورت غیرفعال در می آیند. منظور از شکاف های غیرفعال نیز آن دسته از شکاف های اجتماعی است که واحد پتانسیل هایی برای بسیج سیاسی هستند، لکن در حال حاضر نیروهای سیاسی بر محور آنها تجهیز نشده اند. شکافهای اجتماعی ممکن است به صورت متقاطع یا متراکم بر یکدیگر بار شوند، شکافهای متراکم حامی یکدیگر و شکافهای متقاطع تضعیف کننده یکدیگر هستند. (بشیریه ۱۳۸۲، ۱۰۳)

جهت بررسی چهار دیدگاه مطرح شده در باره ی شکاف نسلی یا عدم شکاف نسلی در ایران، می توان از داده های طرح ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال های ۷۹ و ۸۲ که در مرکز ۲۸ استان کشور انجام شده استفاده کرده ارزش ها و نگرش های افراد در سه زمینه با یکدیگر مقایسه شده است: ارزش ها و نگرش های دینی، ترجیحات سیاسی و احساسی تعلق به جامعه و ارزش ها، هنجارها و مسائل اجتماعی که غیر از اظهار نظر درباره مسائل اجتماع در سایر ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، تفاوتی نسبتاً قابل ملاحظه ای در میان نسل جوان و بزرگسالان ملاحظه می شود که بعضاً در طی زمان در حال افزایش هست. این تفاوتها در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزش های انسانی و آرمانی و مدرنیستی است.

نتیجه گیری

سرمایه ی اجتماعی با توجه به ماهیت خود و متناسب با فضای جامعه برجسته می شود و شکل می گیرد. می توان در مقیاس با نظام ارزشی هر جامعه، مصادیق سرمایه ی اجتماعی را تولید نمود که بعضی از این مولفه های آن مشترک تجربه بشری و بعضی دیگر متفاوت به اقتضاء زیست بوم هر جامعه خواهد بود. با این نگاه، در زیست-جهان های مختلف، مصادیق متنوع سرمایه ی اجتماعی وجود دارد.

سرمایه ی اجتماعی در ارزش ها، نگرش ها و پیوندهای مربوط به بحث اعتماد اجتماعی ایجاد می شود. سرمایه ی اجتماعی می تواند جامعه را منسجم کند و موجب طراوت آن شود. لذا سرمایه ی اجتماعی دو کارویژه ی اساسی دارد: یکی تقویت شبکه ی روابط اجتماعی و دیگری تسهیل فرآیند گردش امور. در سطح خرد که بحث شناختی است، ارزش ها و تعهدات و اعتماد مطرح می شود. در سطح میانه که شاید بتوان به آن سطح ساختاری نیز گفت، دو عنصر مشارکت در تصمیم گیری و پاسخ گویی برجسته می شود.

انقلاب اسلامی ایران با عناصر معرفتی خود (اسلامیت، جمهوریت، عقلانیت، عدالت، استقلال و آزادی)، عوامل کارگزاری خود (با رویکرد سیاست اخلاقی) توانست سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی جامعه و دولت - ملت را افزایش دهد به گونه این انباشت اعتماد سیاسی موجب مشارکت بالای اجتماعی - سیاسی

مردم در فضای انقلاب اسلامی، انسجام و اعتماد اجتماعی مناسب و فرهنگ سیاسی بالنده در جهت عبور از بحران های داخلی و خارجی گردید.

اما در کنار این امیدهای برآمده از انقلاب اسلامی در طول چهاردهه گذشته و با نگاه به رشد سریع جمعیت، دگرگونی در ساختارهای سیاسی-اجتماعی جامعه، سبک مدیریت سیاسی کارگزاران، تحولات نظام بین الملل و جهانی شدن ارتباطات نمی توان موانع کاهنده اعتماد سیاسی (در فضای سرمایه اجتماعی) در ایران امروز را نادیده گرفت به گونه ای که ضعف در پاسخگویی نهادها و سازمان ها، افزایش سطح خط فقر، فساد غیرقابل قبول سیاسی-اقتصادی شکاف نسبی دولت-ملت، ضعف در نظام مدیریتی و همچنین آسیب های اجتماعی اعتماد سیاسی با خطر جدی مواجه کرده است.

البته ناگفته نماند بنابر پژوهش های صورت گرفته اعتماد سیاسی در جامعه در وضعیت اورژانسی نیست بلکه اعتماد سیاسی در ایران امروز در حد متوسط ارزیابی شده است (که البته اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از میزان اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی می باشد). هر چند باید اذعان داشت که مرجع مهم تولید و توزیع اعتماد سیاسی دولت و عملکرد آن است که تناقض در رفتار و گفتار، فساد و کم تفاوتی کارگزاران (باروحیه اشرافی گری)، و ضعف در کارآمدی باعث تقویت شکاف دولت-ملت و تضعیف اعتماد سیاسی خواهد شد. چرا که مردم از رصد عملکرد، سبک زندگی و نوع احترام ابزاری یا واقعی دولتمردان به خواسته های خود غافل نمی باشند و این رصد در فضای شبکه ای و متکثر ارتباطی امروزه بر میزان مقدار اعتماد سیاسی آنان موثر واقع می گردد.

جهت کاهش بیم های ناشی از کسری اعتماد سیاسی در فضای اجتماعی-سیاسی در جامعه ایرانی باید به میزان ثبات اقتصادی، ایجاد آرامش سیاسی وجود نهادهای قضایی کارآمد، پاسخ گویی و مسوولیت پذیری دولت، به رسمیت شناسی بیشتر ادراک و قضاوت ذهنی مردم نسبت کارکرد دولت ها، ارزش های اصیل انقلاب اسلامی و ارتقاء عدالت اجتماعی-اقتصادی توجه جدی (غیر تشریفاتی) شود. همچنین عزم ملی در زمینه مبارزه هوشمند با فساد و پرهیز از گروه گرایی سیاسی و حذف قوانین و مقررات ناکارآمد و بهره مندی از فناوری های نوین نظارتی و تاسیس نظام جامع نظارتی از دیگر موارد مورد تاکید جهت افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد سیاسی است. همه موارد گفته شده باید برای مردم در سطح حس چشایی (نه صرفاً حس شنوایی) آنان نمود پیدا کند تا به تبع رضایت نسبی مردم از زندگی (گرانپگاه اصلی اعتماد سیاسی) اعتماد عمومی و سیاسی جامعه نیز حفظ و گسترش یابد.

منابع

بانک جهانی، (۱۳۸۷) نقش دولت در جهان در حال تحول، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

بشیریه، حسین، (۱۳۸۲) جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی

پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰) دموکراسی و نشست های مدنی، محمد تقی دلفروز، چاپ اول، تهران، انتشارات سلامی.

- پورخانی فر، کامران (۱۴۰۰) مقایسه دولت محمود احمدی نژاد و حسن روحانی در مبارزه با فساد سیستماتیک پایان نامه ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی
- حسینی مشتقین، علی (۱۳۹۶) « مفصل بندی اعتماد سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) » پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، ش ۷۷
- حمیدی زاده، علی (۱۳۹۷) «واکاوی افول سرمایه اجتماعی در ایران» مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، ش ۱
- خواجه سروی، غلامرضا و فرهادی، عباس (۱۳۹۷) «مؤلفه های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره اول
- درگاهی، حسن و بیرانوند، امین (۱۳۹۸) « بررسی رابطه آسیب های اجتماعی و رشد اقتصادی ایران با تاکید بر سرمایه انسانی در الگوی رشد درون زا: رویکرد DSGE»، فصلنامه برنامه و بودجه، سال ۲۳، ش ۳
- رحمانی، محمود و کاوسی، اسماعیل، (۱۳۸۷) اندازه گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش های دولتی و خصوصی، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر گسترش تولید علم.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷) توسعه و تضاد، (کوششی در جمعیت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران)، چاپ هفتم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رنانی، محسن و مویدفر، رزیتا (۱۳۹۰) چرخه های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران: طرح نو
- روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ۱۳۸۹، منصور وثوقی، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر نی.
- رهبر، عباسعلی (۱۳۹۹) مساله شناسی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، طرح پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی
- رهبر عباسعلی، حیدری، فاطمه (۱۳۹۷) انقلاب اسلامی و سرمایه اجتماعی، انتشارات سرواندیشه
- عبداللهی، ابوطالب، (۱۳۸۸) نقش اعتماد در روابط انسانی، چاپ اول، قم، زمزم هدایت.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸) چالش های سیاسی پیش روی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۸)، سنجش فساد اداری و میزان تمایل شهروندان به گزارش دهی و اعلام موارد فساد، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران
- فاین، بن، (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، محمد کمال سروریان، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹) پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن،، غلامعباس توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.

فیلد، جان، (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی، غلامرضا غفاری و حسین رضائی، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.

کلمن، جیمز (۱۳۸۵) نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، ، تهران، انتشارات شیرازه.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۷) انقلاب اسلامی زمینه ها و پیامدها ، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف.

مرادی، سالار و فلاح پیشه ،حشمت ا...و کواکبیان ،مصطفی (۱۳۹۶) « فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی» فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۴

نصری، محسن، (۱۳۸۹) ایران؛ دیروز، امروز، فردا(تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران)، چاپ سوم، قم، دفتر نشر معارف.

نصیری، مرتضی، (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست گذاری عمومی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران، نشر علم گزارش ها

گزارش یافته های پیمایش ملی ارزشها و نگرشهای ایرانیان؛ موج سوم (۱۳۹۴) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ارزش ها و نگرش های ایرانیان، ۱۳۸۲، گزارش علمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح های ملی، انتشارات طرح های ملی

جزئیات نخستین گزارش رسمی از خط فقر در سال ۹۹ + نمودار (eghtesadnews.com)

بانک جهانی: فقر مطلق در ایران ایرنا (irna.ir)

حاشیه نشینی؛ خاستگاه اصلی آسیب های اجتماعی - ایرنا (irna.ir)